

تعداد فرزندان در خانواده و اثرگذاری آن بر کسب

سرمایه انسانی فرزندان

(مورد مطالعه: جوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله مناطق شهری ایران)

سعداله دارابی*، محمد ترکاشوند**

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۲۷

چکیده

سرمایه انسانی به دانش، مهارت و دیگر توانایی‌هایی گفته می‌شود که به افزایش کیفیت و سطح توسعه منجر می‌شوند. سرمایه‌ای که در سنین پایین‌تر کسب شود تأثیر قوی‌تری در موفقیت‌های سنین بالاتر دارد. خانواده مهم‌ترین واحد تأثیرگذار در کسب و سرمایه‌گذاری در حوزه سرمایه انسانی در سنین پایین است و هم‌چنین موفقیت‌های آینده آن‌ها را نیز تعیین می‌کند. در سال‌های اخیر، خانواده ایرانی با کاهش باروری، بالارفتن سطح سواد والدین و سطح رو به بالایی از طلاق مواجه بوده است. با استفاده از داده‌های پیمایش گذران وقت انجام‌شده در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، در این مقاله قصد بررسی

* دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و کارشناس ارشد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

sadegh_darabi@ut.ac.ir

m.torkashvand@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

اثر تعداد فرزندان در کسب سرمایه انسانی فرزندان ۱۵ تا ۱۹ ساله خانوارهای شهری ایران را داریم. نمونه مورد بررسی شامل ۲۱۸۳ فرزند ۱۵ تا ۱۹ ساله است که ازدواج نکرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بین شمار فرزندان و کسب سرمایه انسانی رابطه منفی برقرار است. تفاوت گسترده‌ای در کسب سرمایه انسانی بین خانواده‌های با یک و دو فرزند و خانواده‌های با سه فرزند و بیش‌تر وجود دارد. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان‌دهنده اثرگذاری معنادار جنسیت و سن فرزندان و سطح تحصیلات مادران در کسب سرمایه انسانی است. با وجود این متغیرهای کنترل‌کننده هنوز اثر تعداد فرزندان پایدار است. این نتیجه می‌تواند نشان از پذیرش و تداوم تعداد کم فرزندان (خانواده‌های دو فرزند) در آینده باشد.

مفاهیم کلیدی: تعداد فرزندان، سرمایه انسانی، کسب سرمایه انسانی، جوانان، خانواده ایرانی

مسئله پژوهش

در تئوری سرمایه انسانی که جامعه‌شناسان از اقتصاددانان کلاسیک کسب کرده‌اند، نظر بر این است که امروزه، با بحث‌هایی که از جامعه آگاه و مطلع می‌شود، سرمایه انسانی ریشه و علت اصلی توسعه است. لذا قبل از هر چیزی باید در این زمینه سرمایه‌گذاری کرد (شولتز، ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱؛ بکر، ۱۹۶۲، ۱۹۶۴، ۱۹۷۵؛ هورومنیا،^۱ ۲۰۱۱).

سرمایه انسانی در این تئوری به عنوان دانش، مهارت، توانایی و دیگر صفات داده شده به انسان‌ها که مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی هستند تعریف شده است. در این دیدگاه بر فراگیری‌ها و مهارت‌هایی که فرد به دست می‌آورد تأکید می‌شود. به ویژه تأکید اصلی بر روی دو مفهوم آموزش و سواد رسمی و همچنین مهارت‌های کارآموزی می‌باشد (شولتز، ۱۹۶۱؛ بکر، ۱۹۶۲). از آنجایی که دوران کودکی و نوجوانی از

1. Emil Horomnea

دوره‌های مهم زندگی فرد در فراگیری و کسب مهارت‌ها هستند، لذا در تئوری سرمایه انسانی نیز دوران جوانی و نوجوانی از مهمترین دوره‌های زندگی فرد دانسته شده و نظر بر این است که ویژگی‌هایی که در این دوران کسب می‌شود پیش‌بینی‌هایی قوی را از دست‌آوردهایی که او در آینده خواهد داشت، دارند. کسانی که در این دوران توانایی‌های بیشتری را کسب می‌کنند احتمال بیشتری دارد که توانمندی‌ها و قابلیت‌های بهتری را در زندگی خود در آینده نشان دهند. لذا این موضوع که چه چیزهایی توانایی‌های افراد را در این مرحله از زندگی تعیین می‌کند و فهم اینکه چه چیزی مانع و چه چیزی کمک به توسعه شایستگی‌هایی که در آینده به موفقیت‌هایی در زندگی فرد منتهی می‌شوند در این تئوری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از جمله عواملی که در تئوری سرمایه انسانی در تعیین‌کنندگی سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی کودکان مهم دانسته می‌شود، خانواده و ویژگی‌های آن است. همانگونه که گری بکر از بنیانگذاران این تئوری می‌گوید: "هیچ بحثی در سرمایه انسانی نمی‌تواند از تأثیر خانواده بر مهارت و دانش و ارزش‌های فرزندان چشم‌پوشی کند" (بکر، ۱۹۷۵).

یکی از ویژگی‌های خانواده که در تئوری سرمایه انسانی مورد توجه است بحث تعداد فرزندان در خانه است. برخی محققان نوشته‌اند در مورد چگونگی اینکه رشد دست‌آوردهای والدین و کاهش بُعد خانوار حاکی از افزایش رفاه و کیفیت فرزندان بوده است (فراری و زوانا،^۱ ۲۰۱۰؛ یاکیتا،^۲ ۲۰۰۹؛ بکر، مورفی و تامورا،^۳ ۱۹۹۰؛ بکر، سینیدلا و وئس‌من،^۴ ۲۰۱۰؛ هانیوشک،^۵ ۱۹۹۲؛ بلیک و دیگران، ۲۰۰۵؛ و چونگ و

-
1. Giulia Ferrari & Gianpiero Dalla Zuanna
 2. Akira Yakita
 3. Gary S. Becker, Kevin M. Murphy & Robert Tamura
 4. Sascha O. Becker, Francesco Cinnirella & Ludger Woessmann
 5. Hanushek

آندرسون،^۱ ۲۰۰۳؛ فولادیان، ۱۳۸۸ و بیانچی و رابینسون، ۱۹۹۷؛ کولی^۲ و دیگران، (۲۰۰۷).

خانواده ایرانی نیز در سال‌های اخیر تغییرات فراوانی را متحمل شده است. باروری در آن به پایین‌ترین سطوح رسیده و بعدِ خانوار را به مقدار زیادی کاهش داده است (عباسی و دیگران، ۲۰۰۹). سواد و تحصیلات در بین والدین و به ویژه زنان افزایش یافته است و به نوبه آن زنان وارد بازار کار شده و میزان فعالیت زنان افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵؛ نتایج نشان از این است که سهم زنان از تحصیلات عالی از ۳۳ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۴۲ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. اشتغال زنان نیز از ۱۲ درصد در سال ۱۳۷۵ به حدود ۱۴ درصد در سال ۱۳۸۵ و همچنین سهم زنان دارای تحصیلات عالی از جمعیت فعال زنان از ۱۷ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۶۴ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است). از سوی دیگر در کنار همه اینها استحکام خانواده کاهش یافته و نسبت طلاق به ازدواج افزایش یافته است (محمودیان و دیگران، ۱۳۹۱، زنجانی، ۱۳۸۷). همه این وقایع به گونه‌ای در کنار هم و همزمان رخ داده‌اند. با این حال هنوز مطالعه‌ای در مورد فرزندان که در این خانواده‌ها در حال پرورش است صورت نگرفته است و هنوز نمی‌دانیم که این تغییرات چه اثری را بر گذران وقت فرزندان در این گونه‌های جدید خانواده داشته است.

در مطالعات دیگری با استفاده از داده‌های گذران وقت به بررسی تاثیر تک والدینی و اشتغال مادر بر سرمایه انسانی فرزندان پرداخته شد. تک‌والدینی، از طریق کاهش ارتباط والدین و فرزند، کاهش فرصت سرپرست خانوار در پرداختن به امور خانه و کاهش سطح کنترل و نظارت او بر فعالیت‌های فرزندان، می‌تواند اثر منفی را بر کسب سرمایه انسانی فرزندان بر جای بگذارد (محمودیان، قاضی طباطبائی و ترکاشوند، ۱۳۹۲). بررسی اشتغال مادر نیز نشان داد اشتغال و سواد مادر در تعامل با همدیگر بر

1. Sin Yi Cheung & Robert Andersen

2. Rebekah Levine Coley

سرمایه انسانی فرزند اثر می‌گذارند و مادران شاغل باسواد نیز هستند و در نتیجه سواد مادر به او آگاهی داده و اشتغال او نیز منبع درآمدی را برای سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی فرزند مهیا می‌کند. لذا اثر اشتغال به همراه سواد مثبت بود (محمودیان و ترکاشوند ۱۳۹۳). در گزارش حاضر قصد بر بررسی اثر تعداد فرزندان در خانواده بر کسب سرمایه انسانی آنها می‌باشد. لذا سوالاتی که در پی پاسخ به آنها می‌باشیم به صورت زیر هستند:

آیا تعداد بیشتر فرزندان می‌تواند به عنوان مانعی برای کسب سرمایه انسانی آنها باشد؟

چه تعداد فرزند را می‌توان به عنوان حد مطلوب برای کسب سرمایه انسانی در خانواده‌های ایران مشخص کرد؟

آیا سایر ویژگی‌های فرزندان نیز در کنار تعداد آنها بر کسب سرمایه انسانی شان تأثیرگذار می‌باشد؟

پیشینه پژوهش

اکثر مطالعات موجود در این زمینه مبنی بر اثر منفی بعد خانوار بر دست‌آوردهای فرزندان می‌باشند. فراری و زوانا (۲۰۱۰) در مطالعه خود به بررسی اثر بعد خانوار بر سرمایه انسانی فرزندان در فرانسه و ایتالیا پرداختند. نتایج نشان داد که تک فرزند بودن حتی با کنترل، جنس، شغل مادر، شغل پدر و سایر متغیرهای زمینه ای، ارتباط معناداری با سطوح آموزشی بهتر دارد. همچنین در این مطالعه یافت شد که بعد خانوار نیز اثر معناداری دارد و کودکان آخر دارای شرایط بدتری نسبت به اولی‌ها هستند.

وایت و دیگران (۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های پیمایش گذران وقت در بین نوجوانان ۱۵ تا ۱۷ ساله آمریکایی نشان دادند که اندازه خانواده رابطه منفی را با فعالیت‌های مطالعه و استفاده از کامپیوتر در بین نوجوانان دارد. چونگ و آندرسون

(۲۰۰۳) نیز با استفاده از مطالعه توسعه کودک ملی به بررسی رابطه بین ساختار خانواده و دست‌آوردهای آموزشی کودکان پرداختند. نتایج آنها نشان داد که بعد خانوار رابطه منفی با دست‌آوردهای آموزشی کودکان دارد که البته در سنین بالاتر این رابطه ضعیف می‌شود. دیگر یافته آنها این بود که خانواده با حضور دو والدین امکان موفقیت بیشتری را در آموزش فرزندان دارند.

یاکیتا (۲۰۰۷) با انجام یک بررسی مقایسه‌ای در بین کشورهای مختلف به بررسی رابطه بین کمیت و کیفیت در باروری پرداخت و به این نتیجه رسید که هرچه تعداد موالید کمتر باشد، سرمایه‌گذاری بیشتری در سرمایه‌انسانی کودکان می‌شود. روزنزیوگ و ولپین (۱۹۸۰) با استفاده از تئوری بکر به بررسی اثر منفی باروری بر دست‌آوردهای آموزشی فرزندان در هندوستان پرداختند و نتایج معناداری را نشان دادند. هانیوشک (۱۹۹۲) نیز نشان داد که کودکان خانواده‌های بزرگتر، نمره کمتری در آزمون خواندن^۱ می‌گیرند. همچنین اینکه در مطالعه او رابطه معناداری بین رتبه موالید و نمره آزمون به دست آمد و کودکان اول نمره بالاتری را به دست می‌آوردند. که او این را نیز ناشی از بعد خانوار دانست و اینکه کودکان اول فرصت بیشتری را برای زندگی در خانواده کوچک‌تر دارند. بلیک و دیگران (۲۰۰۵) نیز با استفاده از داده‌های نروژ نتایج منفی و معناداری را بین شمار فرزندان و دست‌آوردهای تحصیلی آنها یافتند. دلپیانو (۲۰۰۶) با استفاده از داده‌های نمونه‌ای سرشماری ۱۹۸۰ ایالات متحده به بررسی اثر بعد خانوار بر کیفیت فرزندان پرداخت و نشان داد که تولدهای بیشتر منجر به کاهش احتمال اینکه کودکان مسن‌تر به مدارس خصوصی راه یابند می‌شود. گری بکر و دیگران (۱۹۹۰) نیز در بررسی رابطه بین بعد خانوار و سرمایه‌انسانی در بین کشورها دریافتند که در کشورهایی که باروری بالا است و خانواده گسترده وجود دارد، سرمایه‌گذاری کمتری در سرمایه‌انسانی کودکان صورت می‌گیرد. ساسچا بکر و دیگران (۲۰۱۰) نیز با استفاده

از داده‌های سرشماری ۳۳۴ شهرستان در پروس به بررسی رابطه جایگزینی^۱ بین کمیت و کیفیت در باروری پرداختند و نشان دادند که با کاهش باروری به کیفیت فرزندان افزوده می‌شود، و میزان تحصیلات بالاتر می‌رود.

همانگونه که مشاهده شد همه مطالعات بر اثر منفی بعد خانوار در سرمایه گذاری در سرمایه انسانی کودکان نظر دارند. البته فراری و زوانا (۲۰۱۰) و هانیوشک (۱۹۹۲) در مطالعات خود نظر به این داشتند که علاوه بر بعد خانوار، رتبه مولید نیز بر دست‌آوردهای کودکان مؤثر است و دارای اثری منفی در این زمینه می‌باشد. چرا که کودکان اولی مدت زمانی بیشتری را در خانواده کوچک‌تر زندگی کرده‌اند. جدای از اینها در مطالعه بیانچی و رابینسون (۱۹۹۷) هیچ رابطه‌ای بین بعد خانوار و دست‌آوردهای کودکان به دست نیامد.

مبانی نظری

سرمایه انسانی

برای اکثر افراد سرمایه به معنی حساب بانکی، سهام شرکتی، زمین و املاک، ماشین‌آلات و... می‌باشد. اینها آشکالی از سرمایه هستند چرا که به عنوان منبع درآمد و دیگر چیزهای مفید پنداشته می‌شوند. ولی این آشکال لمس‌پذیر تنها شکل سرمایه نیستند. کسب دانش، دوره آموزش کامپیوتر، دوره‌های کارآموزی و هزینه‌های مراقبت پزشکی و... نیز می‌توانند سرمایه باشند، چرا که اینها نیز باعث رشد درآمد و تندرستی فرد شده و به رفاه فردی در طی زندگی می‌افزایند. لذا اقتصاددانان هزینه کردن در آموزش و پرورش و کارآموزی و مراقبت پزشکی و امسال آن را به عنوان سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی می‌دانند (بکر، ۱۹۷۵). اینها سرمایه انسانی نامیده می‌شوند، چرا که افراد نمی‌توانند از دانش، مهارت و سلامت‌شان جدا باشند (شولتز، ۱۹۶۱؛ بکر، ۱۹۶۲).

1. Trade off

این مباحث پایه‌گذار نظریه سرمایه انسانی بود که در دهه ۱۹۶۰ به وسیله کسانی چون شولتز و بکر توسعه یافت. این نظریه از عقاید آدام اسمیت نشأت می‌گیرد، هنگامی که او بهبود مهارت کارگران را به عنوان یک منبع اصلی درآمد اشخاص مطرح می‌کند. از دیدگاه او افزایش مهارت، یکی از عوامل اساسی است که تفاوت دریافتی و بهره‌وری را توضیح می‌دهد. با این حال، علی‌رغم این که عقاید اسمیت در بیش از دو قرن پیش مطرح شد، تنها در ۱۹۳۰ بود که مطالعات تجربی در این زمینه انجام شد (نادری، ۱۳۷۹: ۳).

در اوایل دهه ۱۹۶۰ مفهوم سرمایه انسانی وارد ادبیات اقتصاد شد. این زمانی بود که شولتز در سخنرانی خود در افتتاحیه انجمن اقتصاد آمریکا، هزینه‌های آموزشی را به عنوان یک نوع سرمایه‌گذاری تعبیر و تحلیل نمود. بکر نیز در کتاب خود با عنوان سرمایه انسانی، نظریه تشکیل سرمایه انسانی را توسعه داد (همان: ۴). مضمون اصلی در این نظریه این نکته است که سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی منجر به افزایش صرفیت‌های مولد و بهره‌ور افراد می‌شود. که این افزایش‌ها نیز به افزایش دریافتی افراد می‌انجامد. بنابراین تفاوت بین دریافتی افراد بیشتر به دلیل تفاوت در نیروی کار به معنای میزان انباشت سرمایه انسانی از طریق آموزش رسمی، آموزش حین کار و یادگیری به هنگام کار است (شولتز، ۱۹۶۱).

در یک تعریف کلی سرمایه انسانی را برابر با واژه سرمایه فکری می‌گیرند؛ دانشی که می‌تواند تبدیل به ارزش شود (هورومینا، ۲۰۱۱: ۱۵۹) به طور سنتی نیز سرمایه انسانی به عنوان سرمایه‌گذاری در توانایی‌ها، دانش، مهارت‌ها و انگیزه‌های انسانی برای افزایش بهره‌وری انسانی تعریف می‌شود (انجمن کارآفرینی، ۲۰۰۶). کلمن نیز با در مقابل هم قرار دادن سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی اینگونه تعریف می‌کند که؛ سرمایه فیزیکی یک شکل فیزیکی دارد و به طور عمده در تولید استفاده

می‌شود، سرمایه انسانی نامرئی بوده و منعکس می‌شود به وسیله آندسته از خصیصه‌های انسانی که در مهارت‌ها و توانایی‌هایی که افراد را قادر به عمل کردن به صورت متفاوت می‌کنند، مجسم می‌شود (هورومنیا، ۲۰۱۱: ۱۶۲). در نظر بنیانگذاران این تئوری نیز آموزش و پرورش^۱ و کارآموزی^۲ مهمترین اشکال سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی شناخته شده‌اند (بکر، ۱۹۶۲؛ شولتز، ۱۹۵۹).

می‌توان گفت که سرمایه انسانی به لحاظ مفهومی پیچیده و گسترده می‌باشد و اندازه‌گیری آن سخت است. این موضوع باعث شده است که در اکثر مطالعات، مفهوم سرمایه انسانی به درستی اندازه‌گیری نشود. با وجود اینکه در تئوری سرمایه انسانی دو جزء اصلی سرمایه انسانی شامل کسب دانش و کسب مهارت می‌باشند ولی در اکثر مطالعات، سرمایه انسانی تنها محدود به دانش رسمی شده و متغیر تحصیلات باسوادی یا بی‌سوادی افراد را مد نظر قرار می‌دهد، این در حالی است که کسب سایر مهارت‌ها ممکن است اهمیت بیشتری را نسبت به تحصیلات رسمی داشته باشد. برای مثال افرادی که از طریق مجاری غیر دولتی و غیررسمی به یادگیری زبان‌های خارجه و یا کامپیوتر و خیلی از مهارت‌های دیگر می‌پردازند نیز توانایی‌هایی را به دست می‌آورند و می‌توانند از آن به عنوان یک سرمایه استفاده کنند. در واقع سرمایه انسانی هر دانش و مهارتی که فرد را تواناتر و موفق‌تر و تولیدمندتر می‌کند شامل می‌شود، و این چیزی است که در بررسی‌های پیشین توجه کمتری به آن شده است. پیمایش گذران وقت این فرصت را به وجود می‌آورد که این نواقص را اندکی کاهش دهیم. در این پیمایش کلیه فعالیت‌های افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد و لذا می‌توان کسب سرمایه انسانی افراد را به طور بهتری اندازه‌گیری کرد.

1. Education

2. Training

پیمایش گذران وقت در سطح کشوری انجام شده است و نمونه بسیار بزرگی را شامل می‌شود که قابلیت تعمیم به کل کشور را دارد و قابلیت مقایسه ای را نیز به دست می‌دهد. از طرفی هدف این پیمایش جمع‌آوری داده‌های گذران وقت افراد بوده است و لذا حساسیتی در پرسش‌سوال‌ات وجود نداشته است و افراد صرفاً انجام فعالیت‌های خود را در طی روز گزارش کرده‌اند.

قابلیتی که داده‌های گذران وقت در بررسی دقیق‌تر مفهوم سرمایه‌انسانی به دست می‌دهد می‌تواند خلا مطالعاتی در این زمینه ناشی از نبود داده را پر کرده و همچنین اینکه در مطالعات اندک انجام شده، باز هم به دلیل محدودیت داده، این مفهوم به درستی اندازه‌گیری نشده است و در این تحقیق با اندازه‌گیری دقیق‌تر و جامع‌تر این مفهوم می‌توان نتایج واقعی‌تری را به دست آورد.

تعداد فرزندان و کسب سرمایه‌انسانی

بحث در این زمینه را می‌توان به کارهای بکر مرتبط دانست. بکر (۱۹۹۱) نظر به این دارد که به دلیل تمایل خانواده در جهت برابری در دست‌آوردها در بین فرزندان، افزایش شمار آنها باعث افزایش در قیمت جزئی کیفیت برای هر فرزند می‌شود. بسیاری از کارهای تجربی نیز این صحبت‌ها را تایید کرده‌اند (رابن، ۲۰۱۱).

از دیگر تئوری‌پردازان مرتبط در این زمینه جودیت بلیک می‌باشد، بلیک در ۱۹۷۰ با طرح تئوری رقیق‌سازی نظر بر افزایش موانع رویاروی افرادی که در خانواده‌های بزرگ رشد می‌یابند، داشت. بلیک معتقد بود، زمانی که منابع مادی و غیرمادی خانواده محدود می‌شود، کودکان بزرگ شده در خانواده‌های بزرگتر احتمال بیشتری دارد که از دسترسی کمتر به منابع رنج ببرند و اینکه تفاوت تخصیص منابع به هر کودک بر دست‌آوردهای آموزشی و شناختی آنها تاثیرگذار می‌باشد.

این صحبت‌ها تداعی‌کننده تئوری‌های اقتصادی و اجتماعی در زمینه سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی فرزندان می‌باشند. بنا بر این تئوری‌ها، کسب سرمایه

انسانی در فرزندان نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. این سرمایه‌گذاری‌ها در خانواده و با توجه به منابع اقتصادی و اجتماعی آن صورت می‌گیرد. در واقع والدین هدف‌هایی را در رابطه با کیفیت فرزندان خود دارند و انتخاب‌های‌شان برای این اهداف در رابطه با منابع در دسترس و محدودیت‌هایی که برای آنها وجود دارد، می‌باشد (هاومن و ولف، ۱۹۹۵).

هر چه که تعداد فرزندان بیشتر باشد، در چارچوب تئوری‌های اقتصادی و اجتماعی و با توجه به نظر بلیک و بکر، ضرورتاً منابعی که برای هر کودک وجود خواهد داشت، کاهش می‌یابد. البته این منابع فقط اقتصادی نیستند، بلکه از لحاظ عاطفی و اجتماعی نیز تعداد بیشتر فرزندان می‌تواند بر کسب سرمایه‌های انسانی آنها موثر باشد. در خانواده بزرگتر، کارها و نیازها بیشتر است و والدین وقت کمتری را برای صرف کردن با فرزندان دارند. همچنین اینکه هر چه شمار فرزندان بیشتر باشد، برای والدین اختصاص زمان به هر کودک در جهت آموزش و کمک به تکالیف، مشکل‌تر می‌شود. هم‌چنان‌که روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که کودکان اضافی انگیزه‌های ذهنی در خانه را کم‌تر می‌کنند. کودکان کم‌تر، تعامل بیشتری را با والدین داشته و لذا تحرک ذهنی بیشتری را نیز خواهند داشت (بیانچی و جانسون ۱۹۹۷).

با توجه به این موضوعات برخی محققان بحث رتبه موالید را نیز مطرح کرده‌اند و اینکه فرزندان اول و آخر شرایط بهتری را دارا می‌باشند. فرزند اول تعامل بیشتری را با والدین خود داشته و مدت زمان بیشتری را در خانواده با فرزند کم‌تر زندگی کرده است. از طرفی فرزندان آخر نیز احتمال بیشتری دارد که والدین مسن‌تری را داشته باشند و لذا در موقعیت بهتری برای حمایت از فرزندان باشند. فرزندان آخر همچنین می‌توانند از دانش فرزندان بزرگ‌تر از خود بهره‌مند شوند.

روش پژوهش

روش تحقیق در مقاله حاضر تحلیل ثانویه می‌باشد. داده‌ها برگرفته از پیمایش گذران^۱ وقت می‌باشند. این پیمایش توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ در نقاط شهری کشور انجام شده است. جمعیت مورد پیمایش شامل کلیه افراد ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در خانوارهای شهری کشور بوده‌اند. داده‌ها شامل کلیه فعالیت‌های روزانه افراد و همچنین متغیرهای اقتصادی و اجتماعی در سطح فرد و خانوار می‌باشند. جمعیت مورد بررسی در این مقاله شامل ۲۱۸۳ فرزند ۱۵ تا ۱۹ ساله هرگز ازدواج نکرده موجود در خانوارها که هر دو والدین آنها در خانه حضور داشتند می‌باشد.

جامعه مورد نیاز تحقیق از بین افراد ۱۵ تا ۲۰ ساله مجرد (هرگز ازدواج نکرده) انتخاب گردیدند. دلایل این انتخاب این است که پیمایش گذران وقت بر روی افراد ۱۵ سال به بالا صورت گرفته است و دلیل انتخاب زیر ۲۰ سال و مجردها نیز این است که معمولاً در سنین بالا افراد از خانواده‌های خود جدا می‌شوند و یا حداقل اینکه حضور کمتری در خانه دارند. معمولاً در سنین بالاتر از ۲۰ سال معمولاً افراد به دانشگاه وارد می‌شوند و بیشتر وقت خود را در خوابگاه و محیط دانشگاه می‌گذرانند و لذا کمتر تحت تأثیر خانواده و محیط آن قرار می‌گیرند. انتخاب مجردین نیز به این دلیل است که افراد متأهل هم از خانواده‌های خود جدا شده و کمتر متأثر از آن هستند و دیگر اینکه هدف این گزارش بررسی فعالیت‌هایی است که در کسب سرمایه انسانی در آینده مفید هستند و در واقع فرد مجرد هنوز در پی سرمایه‌گذاری بر روی خود برای ساختن آینده است، در صورتی که فرد متأهل کمتر به فکر سرمایه گذاری است و بیشتر در فکر کار کردن و فعالیت‌های مزد محور است تا آموزش و کسب مهارت.

متغیر مستقل تحقیق، تعداد فرزندان، از طریق سؤال بعد خانوار و همچنین تعداد فرزندان حاضر در خانواده به دست می‌آید. متغیر وابسته تحقیق، کسب سرمایه انسانی

1. Time Use Survey

در فرزندان می‌باشد. متغیر وابسته اصلی این تحقیق کسب سرمایه انسانی در فرزندان می‌باشد. در طبقه‌بندی فعالیت‌های ثبت شده از افراد در پیمایش گذران وقت، یکی از طبقات تحت عنوان فراگیری می‌باشد که شامل؛ مطالعه، حضور در کلاس‌ها، مطالعه شخصی در ارتباط با دوره‌های تحصیل از راه دور، سایر فعالیت‌هایی که در زمینه برنامه‌های توأم و فوق برنامه انجام می‌گیرد، تکلیف خانه، مرور کردن درس‌ها، تحقیق و فعالیت‌های مرتبط با تحصیلات عمومی، مطالعات اضافی، تحصیلات غیررسمی و گذراندن دوره‌های مختلف در طی زمان فراغت آموزش و مطالعه در زمینه توسعه مهارت‌های شغلی و غیره می‌باشد. با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی و نشان دادن اینکه این فعالیت‌ها قابلیت جمع پذیری با هم دارند، به جمع‌بندی مقدار زمانی که افراد بر حسب دقیقه به این فعالیت‌ها می‌پردازند، تحت عنوان فعالیت‌های مرتبط با کسب سرمایه انسانی پرداخته شد. لذا در این بررسی مدت زمان پرداختن به کلیه فعالیت‌های مرتبط با فراگیری و آموزش به عنوان کسب سرمایه انسانی در نظر گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

نمونه مورد بررسی از بین خانوارهایی که فرزند ۱۵ تا ۲۰ ساله مجرد داشتند و در آن‌ها هر دوی والدین در خانه حضور داشتند و پرسش‌نامه پیمایش گذران وقت را پر کرده بودند انتخاب شد. با اعمال این محدودیت‌ها، ۲۱۸۳ نفر انتخاب شدند که ۱۱۶۶ نفرشان پسر و ۱۰۳۸ نفرشان دختر بودند. ۹۰۳ نفر (۴۰ درصد) در خانواده‌های دو فرزندی زندگی می‌کنند، ۴۰۲ نفر (۱۷ درصد) در خانواده‌های تک‌فرزند، ۵۳۷ نفر (۲۵ درصد) در خانواده‌های با سه فرزند، ۲۰۹ نفر (۱۰ درصد) در خانواده‌های با ۴ فرزند و ۷۲ نفر (۳ درصد) در خانواده‌های با ۵ فرزند و بیش‌تر زندگی می‌کنند (جدول ۱).

زمانی که کودکان در خانواده‌های دارای یک یا دو فرزند زندگی می‌کنند، بیش‌ترین زمان را در کسب سرمایه‌ انسانی صرف می‌کنند (جداول ۱ و ۲). با اضافه شدن فرزند سوم به شدت از میانگین مدت‌زمان پرداختن به کسب سرمایه‌ انسانی کاسته می‌شود و از ۲۳۸ دقیقه برای فرزندان خانواده‌های با دو فرزند، به ۱۹۵ دقیقه برای فرزندان خانواده‌های با سه فرزند کاهش می‌یابد. به همین طریق با اضافه شدن فرزندان چهارم و پنجم به خانواده، مقدار زمان کسب سرمایه‌ انسانی فرزندان کاهش می‌یابد، به طوری که در خانواده‌های با چهار فرزند به ۱۶۸ دقیقه و در خانواده‌های دارای پنج فرزند به ۹۶ دقیقه می‌رسد.

جدول ۱. مدت‌زمان (به دقیقه) پرداختن به کسب سرمایه‌ انسانی فرزندان بر حسب تعداد

فرزندان موجود در خانواده

تعداد فرزندان در خانه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد (SD)	خطای استاندارد (SE)
یک	۳۱۲	۲۳۷	۲۲۶	۱۱
دو	۸۶۷	۲۳۸	۲۱۱	۷
سه	۴۹۸	۱۹۵	۲۱۲	۹
چهار	۲۹۴	۱۶۸	۲۰۹	۱۴
پنج فرزند و بیش‌تر	۲۱۲	۹۶	۱۷۱	۲۰
جمع	۲۱۸۳	۲۱۶	۲۱۵	۵

این نتایج نشان از اثرگذاری قوی بعد خانوار بر کسب سرمایه‌ انسانی فرزندان است. در جدول ۲ نیز معنادار بودن این تأثیرات نشان داده شده است. آزمون تفاوت میانگین‌ها (آزمون F) نشان‌دهنده تفاوت مدت‌زمان کسب سرمایه‌ انسانی در فرزندان بر حسب بعد خانوار آن‌هاست. فرزندان که در خانواده‌های تک‌فرزند و دو فرزند زندگی

تعداد فرزندان در خانواده و اثرگذاری آن بر ... ۱۶۷

می‌کنند به مقدار کاملاً معناداری از فرزندانی که در خانواده‌های دارای سه، چهار، و پنج فرزند زندگی می‌کنند، مدت‌زمان بیشتری را به کسب سرمایه انسانی می‌پردازند.

جدول ۲. آزمون تفاوت میانگین زمان کسب‌شده در کسب سرمایه انسانی به وسیله

فرزندان بر حسب تعداد فرزندان موجود در خانه

متغیر وابسته	طبقه مرجع	طبقه دیگر	تفاوت میانگین‌ها	(se)	sig	
کسب سرمایه انسانی فرزندان	یک فرزند	دو فرزند	-۱	۱۲	۰/۹۳۱	
		سه فرزند	۴۲	۱۴	۰/۰۰۲	
		چهار فرزند	۷۰	۱۸	۰/۰۰۰	
		پنج فرزند	۱۴۱	۲۷	۰/۰۰۰	
	دو فرزند	یک فرزند	۱	۱۲	۰/۹۳۱	
		سه فرزند	۴۳	۱۲	۰/۰۰۰	
		چهار فرزند	۷۱	۱۶	۰/۰۰۰	
		پنج فرزند	۱۴۲	۲۶	۰/۰۰۰	
	LSD		F= 13.3 Sig<0.0001			

در جداول ۳ و ۴ نیز این موضوع را می‌توان در آزمون‌های تفاوت میانگین (آزمون T) بین خانواده‌های تک‌فرزند در مقابل چندفرزند (بیش‌تر از یک فرزند) و همچنین خانواده‌های دارای یک و دو فرزند در مقابل خانواده‌های با بیش از دو فرزند مشاهده کرد.

زندگی در خانواده‌های تک‌فرزند در حدود ۳۰ دقیقه کسب سرمایه انسانی بیش‌تری را برای فرزندان در مقایسه با فرزندان که در خانواده‌های بیش از یک فرزند زندگی می‌کنند به همراه دارد. با تغییر از حالت یک و دو فرزند به حالت سه فرزند و بیش‌تر، به طور متوسط یک ساعت از کسب سرمایه انسانی فرزندان کاسته می‌شود (جدول ۴).

جدول ۳. مدت‌زمان (به دقیقه) پرداختن به کسب سرمایه انسانی فرزندان بر حسب

تک‌فرزند و چندفرزند بودن خانواده

تعداد فرزند	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد (SD)	خطای استاندارد (SE)
یک فرزند	۳۱۲	۲۴۰	۲۲۷	۱۱
دو فرزند و بیش‌تر	۱۸۷۱	۲۱۱	۲۱۲	۵
$t=3, sig<0.001$				

جدول ۴. مدت‌زمان (به دقیقه) پرداختن به کسب سرمایه انسانی فرزندان بر حسب کم‌تر و

بیش‌تر از دو فرزند داشتن خانواده

تعداد فرزند	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد (SD)	خطای استاندارد (SE)
یک و دو فرزند	۱۱۷۹	۲۳۹	۲۱۶	۶
بیش‌تر از دو فرزند	۱۰۰۴	۱۷۹	۲۱۰	۷
$t=6, sig<0.001$				

این نتایج را می‌توان تأییدی بر تئوری‌های اقتصادی دانست؛ بر طبق تئوری رقیق‌سازی بلیک و هم‌چنین نظریات بکر، با افزوده شدن به تعداد فرزندان، منابع محدودتری برای سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی فرزندان وجود خواهد داشت. البته جدای از این می‌توان به اثر اجتماعی افزوده شدن به تعداد موالیید نیز اشاره کرد. در خانواده‌های بزرگ‌تر، سطح کنترل والدین بر فرزندان نیز می‌تواند کم‌تر شود و هم‌چنین والدین مدت‌زمان کم‌تری را دارند تا با تک‌تک فرزندان تعامل داشته باشند و در امور آموزشی و تکالیف آن‌ها کمک کنند.

باید مراقب بود که ممکن است متغیرهای دیگری نیز وجود داشته باشند که هم بر سرمایه‌گذاری بر سرمایه‌انسانی فرزندان و هم بر بعد خانواده کم‌تر اثر دارند، بنابراین، در بررسی این رابطه باید به آن‌ها توجه شود. از جمله مهم‌ترین این متغیرها می‌توان به وضعیت اقتصادی و اجتماعی والدین اشاره کرد. سواد والدین به‌ویژه سواد مادر از جمله متغیرهایی است که می‌تواند در این رابطه مؤثر باشد. همان‌گونه که در بحث‌های پیشین مشاهده شد، سواد مادر اثر معنادار و مثبتی را در سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی فرزندان دارد. هم‌چنین معمولاً مادران باسواد فرزندان کم‌تری نیز دارند. در واقع می‌توان این‌گونه گفت که توجه بیش‌تر به کیفیت فرزند از سوی والدین باسواد با پایین گذاشتن بعد خانوار نیز همراه است. وضعیت اقتصادی والدین نیز در تعداد فرزندان و در سرمایه‌گذاری آن‌ها در سرمایه‌انسانی فرزندان می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. از آن‌جایی که در پیمایش گذران وقت درآمد خانواده اندازه‌گیری نشده است، می‌توان از متغیر میزان کارمزدی پدر، به عنوان یک متغیر جایگزین در این زمینه استفاده کرد. دیگر متغیرهایی که می‌توانند در این رابطه مهم باشند رتبه موالیید و جنسیت فرزندان است. در خانواده‌های بزرگ‌تر رتبه‌های موالیید بالاتری نیز وجود دارد، که البته همان‌گونه که ذکر شد در این گزارش رتبه موالیید را نمی‌توان به‌درستی اندازه‌گیری کرد. اما به نظر می‌رسد که بتوان با کنترل اثر سن فرزندان تا اندازه‌ای اثر آن را در نظر گرفت. در ادامه برای روشن‌نگری بیش‌تر در اثرگذاری بعد خانوار بر کسب سرمایه

انسانی فرزندان با استفاده از معادلات رگرسیونی به کنترل اثر متغیرهای زمینه‌ای مانند سن و جنسیت فرزندان و همچنین سطح سواد والدین پرداخته شده است.

در جدول ۵ در قالب چهار مدل رگرسیونی، اثرگذاری متغیرهای زمینه‌ای سن و جنسیت فرزندان و سطح سواد مادران آنها بر رابطه تعداد فرزندان و مدت زمان کسب سرمایه انسانی آنها بررسی شده است. در مدل اول فقط متغیر تعداد فرزندان وارد شده است و همان‌گونه که در مبحث پیشین نیز نشان داده شد، بر کسب سرمایه انسانی فرزندان اثر منفی دارد. در مدل دوم متغیرهای جنسیت و سن فرزندان نیز به معادلات افزوده شده است. سن و جنسیت فرزندان نیز تأثیرات معناداری را بر کسب سرمایه انسانی فرزندان دارند؛ در سنین پایین‌تر، کسب سرمایه انسانی فرزندان بیش‌تر است و این تا حدودی می‌تواند نشان دهد که در رتبه‌های مولید بالاتر، کسب سرمایه انسانی بیش‌تر است. اثر جنسیت فرزندان نیز مثبت است و نشان می‌دهد که در بین دخترها، که با کد ۱ (در مقابل کد صفر برای پسران) وارد مدل شده‌اند، کسب سرمایه انسانی بیش‌تر است. این اثرگذاری به صورت مشخص‌تری در جدول ۶ با استفاده از آزمون تفاوت میانگین (آزمون T) نیز نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، دخترها به طور متوسط در حدود ۷۵ دقیقه (در حدود ۱/۴ برابر پسرها) بیش‌تر از پسرها به کسب سرمایه انسانی می‌پردازند.

با وجود این، وارد شدن هر دوی این متغیرها به مدل اثری را بر رابطه بعد خانوار و کسب سرمایه انسانی فرزندان ندارد و این رابطه هنوز معنادار باقی می‌ماند. در مدل سوم، سطح تحصیلات پدر به همراه مدت زمان کارمزدی او وارد معادله شده‌اند، و در مدل چهارم نیز سطح تحصیلات مادر به مدل اضافه شده است. طبق انتظار اثر سواد مادر و پدر هر دو مثبت است و هر چه سواد والدین بالاتر باشد، میزان کسب سرمایه انسانی فرزندان آنها بالاتر است. البته با وارد شدن این متغیر نیز هرچند تا اندازه‌ای از معناداری رابطه بعد خانوار و کسب سرمایه انسانی فرزندان کاسته می‌شود، اما هنوز اثر آن معنادار باقی مانده است.

تعداد فرزندان در خانواده و اثرگذاری آن بر ... ۱۷۱

در واقع باید گفت که تعداد کم‌تر فرزندان حتی با کنترل متغیرهایی مانند جنسیت و سن فرزندان، سطح تحصیلات والدین آن‌ها، و هم‌چنین مقدار کارمزدی پدرشان، ارتباط معناداری را با کسب سرمایه انسانی بالاتر آن‌ها دارد.

جدول ۵. اثرگذاری بعد خانوار بر کسب سرمایه انسانی فرزندان با کنترل متغیرهای زمینه‌ای جنسیت و سن فرزندان و سطح سواد مادر در مدل‌های مختلف رگرسیونی

۴		۳		۲		۱		مدل
Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	
<۰/۰۱	-۰/۱۹۲	<۰/۰۰۱	-۰/۱۹۵	<۰/۰۰۱	-۰/۱۹۲	<۰/۰۰۱	-۰/۱۵۷	تعداد فرزندان*
<۰/۰۰۱	۰/۱۳۷	<۰/۰۰۱	۰/۱۳۹	<۰/۰۰۱	۰/۱۴۹			جنسیت فرزند**
<۰/۰۰۱	-۰/۲۵۵	<۰/۰۰۱	-۰/۲۵۴	<۰/۰۰۱	-۰/۲۳۴			سن فرزند
۰/۲۱	۰/۰۳۰	۰/۱۲	۰/۰۳۲					کارمزدی پدر***
<۰/۰۰۱	۰/۹۲	<۰/۰۰۱	۰/۱۳۸					سطح تحصیلات پدر****
<۰/۰۰۱	۰/۰۹۸							سطح تحصیلات مادر*****
۱۸۲		۲۱۳		۳۰۴		۳۵		F
<۰/۰۰۱		<۰/۰۰۱		<۰/۰۰۱		<۰/۰۰۱		Sig
۰/۴۲۰		۰/۳۸۸		۰/۳۵۰		۰/۱۳۲		R

* به صورت متغیر عددی از ۱ فرزند تا ۶ فرزند و بیش‌تر؛ ** مذکر ۰، مؤنث ۱؛ *** مدت‌زمان کارمزدی روز به دقیقه؛ **** به صورت متغیر عددی (بی‌سواد ۰، ابتدایی ۱، راهنمایی ۲، دبیرستان ۳، پیش‌دانشگاهی ۴، فوق‌دیپلم ۵، کارشناسی ۶، کارشناسی ارشد و بالاتر ۷).

جدول ۶. مدت‌زمان (به دقیقه) پرداختن به کسب سرمایه انسانی فرزندان بر حسب

جنسیت آن‌ها

خطای استاندارد (SE)	انحراف استاندارد (SD)	میانگین	تعداد نمونه	جنسیت فرزند
۶	۲۰۸	۱۸۵	۱۱۶۶	پسر
۷	۲۱۸	۲۵۸	۱۰۳۸	دختر
t=-8, sig<0.001				

نتیجه‌گیری

بیش‌تر مطالعاتی که در زمینه اثر بعد خانوار بر کسب سرمایه انسانی فرزندان صورت گرفته است نشان‌دهنده اثرگذاری منفی در این زمینه بوده‌اند (فراری و زوانا، ۲۰۱۰؛ یاکیتا، ۲۰۰۹؛ بکر، مورفی و تامورا، ۱۹۹۰؛ بکر، سیندلا و وئس‌من، ۲۰۱۰؛ هانیوشک، ۱۹۹۲؛ بلیک و دیگران، ۲۰۰۵؛ چونگ و آندرسون، ۲۰۰۳).

در گزارش حاضر نیز شواهدی در تأیید این مطالعات وجود دارد. خانواده‌های با یک و دو فرزند بهترین شرایط برای کسب سرمایه انسانی از سوی فرزندان را دارند و با افزوده شدن به این تعداد از کسب سرمایه انسانی فرزندان کاسته می‌شود. با توجه به نظریات بکر و تئوری رقیق‌سازی بلیک می‌توان نظر به این داشت که ضرورتاً با افزوده شدن به تعداد فرزندان، محدودیت بیش‌تری در منابع خانواده برای آن‌ها وجود خواهد داشت. بنابراین، بر سرمایه انسانی فرزندان اثر منفی را خواهد گذاشت. البته منابع فقط اقتصادی نیستند که بتوان آن را جبران کرد، بلکه باید به مدت‌زمان خود والدین برای پرورش فرزندان و کمک به آن‌ها نیز توجه داشت. این‌که والدین در روز وقت محدودی را برای گذراندن با فرزندان خود دارند و این وقت در زمانی که فرزندان بیش‌تر می‌شوند، برای آن‌ها محدودتر می‌شود. از آن‌جایی که ممکن است والدینی که به تربیت فرزندان خود اهمیت بیش‌تری می‌دهند، تعداد فرزندان کم‌تری را نیز داشته باشند، بنابراین، به کنترل متغیرهایی مانند سطح تحصیلات والدین، اشتغال پدر، سن و جنسیت فرزندان در این رابطه پرداخته شد. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان‌دهنده اثر معنادار سن و جنسیت فرزندان و سواد والدین بود. فرزندان جوان‌تر به مقدار بیش‌تری در فعالیت‌های مرتبط با کسب سرمایه انسانی درگیر بودند. دختران نیز مدت‌زمان بیش‌تری را در این فعالیت‌ها سپری می‌کردند، و سواد والدین نیز اثر مثبتی را بر کسب سرمایه انسانی فرزندان داشت. با وجود به این نتایج می‌توان نشان داد که اثر

منفی تعداد فرزندان در خانواده بر مدت زمان پرداختن آن‌ها به کسب سرمایه انسانی حتی با کنترل این متغیرها نیز پایدار است.

به نظر روان‌شناسان اجتماعی کودکان اضافی انگیزه‌های ذهنی در خانه را کم‌تر می‌کنند، و کودکان کم‌تر تعامل بیش‌تری را با والدین خود دارند. نتایج نشان داد که دو فرزندی به عنوان یک حد مطلوب در سرمایه‌گذاری خانوار در سرمایه انسانی فرزندان است. می‌توان فرض کرد که والدین در روز به طور متوسط توان صرف وقت برای یک فرزند را داشته باشند. دو فرزندی بودن خانوار باعث تعادل جنسیتی فرزندان در خانه است و نوعی رضایت خاطر را برای والدین به همراه دارد. بنابراین، والدین قابلیت بیش‌تری در صرف توان مالی و ذهنی خود برای فرزندان خواهند داشت.

پایداری اثر تعداد فرزندان بر کسب سرمایه انسانی، حتی با کنترل سایر متغیرها، می‌تواند دلالت‌های معناداری داشته باشد: ۱. می‌تواند نشان از یک نقطه عطف (در شمار فرزندان) باشد که در آن کسب سرمایه انسانی فرزندان به صورت قابل توجه دچار تغییر می‌شود. سطح بالاتر کسب سرمایه انسانی در خانواده‌های با دو فرزند می‌تواند نشان از یک نوع خانواده ایده‌آل باشد که با سبک زندگی خانواده‌های شهری ایران مناسب‌تر بوده است؛ ۲. می‌تواند این نکته را به همراه خود داشته باشد که این نوع خانواده هم‌چنین مکانی ایده‌آل برای افزایش رضایت والدین است و ۳. می‌تواند نشان از پایداری و ترجیح به سطح جایگزینی باروری (خانواده دو فرزندی) در مقابل هرگونه ترس از باروری پایین‌تر در آینده باشد.

منابع

- ترکاشوند، محمد. (۱۳۹۱)، «تغییرات خانواده در ایران و اثرگذاری آن بر کسب سرمایه انسانی نوجوانان ایران»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی*، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی، گروه جمعیت‌شناسی.

- زنجانی، حبیب‌الله. (۱۳۸۷)، *نگاهی به آمار طلاق در ایران*، پایگاه اطلاع‌رسانی بهنا.
- فولادیان، احمد. (۱۳۸۸)، «بررسی میزان سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد»، *فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن*، س ۶، ش ۲۱، پاییز.
- محمودیان، حسین، مجید کوششی، محمد ترکاشوند و مرجان رشوند (۱۳۹۱)، «بررسی و مقایسه ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی استان‌های کشور با تأکید بر شاخص‌های جمعیتی»، طرح پژوهشی با حمایت سازمان ثبت‌احوال کشور و دانشگاه تهران در برنامه صندوق جمعیت و توسعه.
- *مرکز آمار ایران*. (۱۳۸۳)، «گزارش آزمایشی طرح بررسی گذران وقت، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، پژوهشکده آمار.
- *مرکز آمار ایران*. (۱۳۸۷)، مجموعه مدارک طرح آمارگیری گذران وقت سال ۱۳۸۷، کد سند: ۲۱-۰۳-WI-۰۵-۵۰۰.
- *مرکز آمار ایران*. (۱۳۸۸)، نتایج طرح آمارگیری گذران وقت: نقاط شهری کشور ۱۳۸۷-۱۳۸۸. قابل دسترس در:
- <http://www.amar.org.ir/DesktopModules/Magazines/showMagazine.aspx?id=40&mID=208>
- مرکز آمار ایران (بی‌تا)، طبقه‌بندی فعالیت‌ها برای آمارهای گذران وقت در ایران بر اساس ICATUS. قابل دسترس در:
- www.amar.org.ir/Upload/Modules/Contents/asset0/icatuc.pdf
- مرکز آمار ایران: نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.
- A. Yakita (2009), *Human capital accumulation, fertility and economic development*, Springer-Verlag. J Econ (2010) 99:97-116.
- E. Hanushek. (1992), The Trade-off between Child Quantity and Quality, *Journal of Political Economy*. vol 100, no. 1.

- R. Haveman & B. Wolfe. (1995), The Determinants of Children's Attainments: A Review of Methods and Findings. *Journal of Economic Literature* Vol. XXXIII, 1829-1878.
- E. Horomnea & A. M. Istrate. (2011), *considerations on human capital concept*. The Annals of The "Ștefan cel Mare" University of Suceava. Fascicle of the Faculty of Economics and Public Administration.
- G. S. Becker. (1962), "Investment in Human Capital: A Theoretical Analysis, *Journal of Political Economy*, Vol. 70, No. 5.
- G. S. Becker. (1964), *Human Capital*. Columbia University Press.
- G. S. Becker. (1975), Human Capital. Encyclopedia Essay on Human Capital. www.econlib.org/library/enc/humancapital.html.
- G. S. Becker, M. M. Kevin, T. Robert (1999), Human Capital, Fertility, and Economic Growth, *Journal of Political Economy*, Vol. 98, No. 5.
- G. Ferrari & G. D. Zuanna. (2010), *Siblings and human capital: A comparison between Italy and France*, Demographic Research, Volumes/Vol22/21
- Habasevich-Brooks, Tara Colleen. (2008), *human capital, family structure and resources*, role conflict, child care characteristics and mother's employment: a longitudinal analysis, The Pennsylvania State University, the Graduate School Department of Sociology, a Dissertation in Sociology. Copyright 2011 by ProQuest LLC.
- J. S. Rabon. (2011), Fertility, *Maternal Employment*, and the Effect on a Child's Cognitive Achievement, Preliminary Work.
- M. J. Abbasi-Shavazi, P. McDonald & M. Hosseini-Chavoshi (2009), *the Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, New York: Springer.

- M. Rosenzweig & K. Wolpin. (1980), *Testing the Quantity-Quality Fertility Model: The Use of Twins as a Natural Experiment* *Econometrica*, vol. 48, no. 1. 1980.
- N. Marie Astone & S. McLanahan. (1991), *Family Structure, Parental Practices and High School Completion*. American Sociological Review, Vol. 56, No. 3, 309-320.
- OECD. (1998), *human capital investment: on international comparison*. Paris, organization for economic corporation and development.
- R. Coley, R. Levine, Heather J. Bachman, Elizabeth Votruba-Drzal, Brenda J. Lohman, Christine P. Li-Grining. (2007), *Maternal welfare and employment experiences and adolescent well-being: Do mothers' human capital characteristics matter?* Children and Youth Services Review.
- S. Becker, F. Cinnirella & L. Woessmann. (2010), *The trade-off between fertility and education: evidence from before the demographic transition*, © Springer Science+Business Media, LLC 2010, J Econ Growth, 15: 177–204.
- S. M. Bianchi & J. Robinson. (1997), what did you do today? Children's use of time, family composition, and the acquisition of social capital. *Journal of marriage and family*, vol. 59, no. 2, pp. 332-344.
- S. Black, P. Devereux, K. Salvanes, The more the merrier. (2005), the effect of family size on and birth order on children's education, *The Quarterly Journal of Economics*. vol. 120.
- S. Y. Cheung & R. Andersen. (2003), Time to Read: Family Resources and Educational Outcomes in Britain, *Journal of Comparative*

تعداد فرزندان در خانواده و اثرگذاری آن بر ... ۱۷۷

Family Studies; Summer 2003; 34, 3; Academic Research Library pg. 413.

- T. W. Schultz. (1959), *Investment in Man: An Economist's View*. Social Service Review, Vol. 33, No. 2 , 109-117.
- T. W. Schultz. (1961), Investment in Human Capital, . *The American Economic Review*, Vol. 51, No. 1, 1-17.
- V. R. Wight, J. Price, R. M. Bianchi & B. R. Hunt (2009). *The time use of teenagers*. Social Science Research 38, 792–809.